



4

Vol. 9
Winter 2025

Research Paper

Received:
31 May 2024
Revised:
24 June 2024
Accepted:
11 August 2024
Published:
20 November 2024
P.P: 79-109

ISSN: 2783-1914
E-ISSN: 2783-1450



The economic grounds of the formation of the revolution in the thought of Ayatollah Mohammad Ali Shahabadi (RA)

Seyyed Mohammad Javad Ghorbi ^{*1}

Abstract

Ayatollah Mohammad Ali Shahabadi is one of the contemporary jurists who have innovative and strategic ideas in various ethical, mystical, political and economic fields, and his approach of social mysticism led to not being limited in theoretical discussions and making great efforts to reform his society in political, economic and have a culture. Among the fields of Shahabadi's participation in changing the lifestyle of Iranian society, there is economy; While shedding light on the harms and disasters of the micro and macro economy of his era, he presented various organizational and reformist strategies to the people and government officials and even directly entered the field of economic institution building. This issue testifies to his deep understanding of the conditions of the time and the examination of his writings shows that in addition to discussing deep mystical and moral issues, he paid attention to economic threats and even the first chapter of Shazerat al-Maarif begins with economic pathology. (Subject) This article deals with the formation of the revolution by applying the analytical-descriptive approach (method) and referring to his economic reflections. (Purpose) The article answers the question, what are the economic grounds of the revolution from Ayatollah Shahabadi's point of view? (Question) The results show that Shahabadi believes that the failure of the economic modernization process has led to social disorder and the existing dissatisfaction with these conditions can provide the foundations for political revolution. The economic aspects of the revolution can be divided into three proportions; He explained economic ethics, social contexts and governance disorder. (findings).

Keywords: Ayatollah Mohammad Ali Shahabadi, Revolution, Political Modernization, Social Disorder, Economic Independence, Economic Culture, Beytolmāl, welfarism.

1. resercherResearcher of Islamic political thought, researcher of revolution history and political thought of Muslim thinkers.
ghorbi68@yahoo.com

Cite this Paper: Ghorbi, S.M (2025). The economic grounds of the formation of the revolution in the thought of Ayatollah Mohammad Ali Shahabadi (RA). *State Studies of Contemporary Iran*, 4(9), 79–109.

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0).



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



زمینه‌های اقتصادی شکل‌گیری انقلاب در اندیشه آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی (ره)

سید محمد جواد قربی^۱

چکیده

آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی یکی از فقهای معاصر است که در حوزه‌های مختلف اخلاقی، عرفانی، سیاسی و اقتصادی دارای نظریات بدیع و راهبردی هستند و رویکرد عرفان اجتماعی ایشان منجر گردید در مباحث نظری محدود نشوند و تلاش وافر برای اصلاح جامعه خویش در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی داشته باشند. ازجمله حوزه‌های مشارکت شاه‌آبادی برای تغییر سبک زندگی جامعه ایرانی، اقتصاد بوده است؛ ایشان ضمن روشن‌گری در زمینه آسیب‌ها و آفات اقتصاد خرد و کلان عصر خویش، راهبردهای تشکیلاتی و اصلاح‌گرایانه مختلفی به مردم و کارگزاران حکومتی ارائه دادند و حتی مستقیماً در عرصه نهادهای اقتصادی وارد شدند. این مسئله گواهی بر شناخت عمیق عرفانی و اخلاقی، نسبت به تهدیدات اقتصادی مکتوبات ایشان نشان می‌دهد علاوه بر طرح مباحث عمیق عرفانی و اخلاقی، نسبت به تهدیدات اقتصادی توجه داشتند و حتی شذره اول کتاب شذرات المعارف با آسیب‌شناسی اقتصادی شروع می‌شود. (موضوع) مقاله حاضر با کاربری رویکرد تحلیلی-توصیفی (روش) و با مراجعه به تاملات اقتصادی ایشان به زمینه شکل‌گیری انقلاب می‌پردازد. (هدف) مقاله به این سؤال پاسخ می‌دهد که زمینه‌های اقتصادی شکل‌گیری انقلاب از منظر آیت‌الله شاه‌آبادی چه مواردی هستند؟ (سؤال) نتایج نشان می‌دهد شاه‌آبادی باور دارد شکست فرایند نوسازی اقتصادی منجر به بی‌نظمی اجتماعی شده و نارضایتی موجود از این شرایط می‌تواند بسترهای انقلاب سیاسی را فراهم آورد. زمینه‌های اقتصادی انقلاب را می‌توان در نسبت‌های سه‌گانه؛ اخلاق اقتصادی، زمینه‌های اجتماعی و بی‌نظمی حاکمیتی مورد تبیین قرارداد.

کلیدواژه‌ها: آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی، انقلاب، نوسازی سیاسی، بی‌نظمی اجتماعی، استقلال اقتصادی، فرهنگ‌سازی اقتصادی، بیت‌المال، رفاه‌گرایی.

۱. نویسنده مسئول: پژوهشگر اندیشه سیاسی اسلام، پژوهشگر تاریخ انقلاب و اندیشه سیاسی متفکران مسلمان.

استناد: قربی، سید محمد جواد (۱۴۰۳). زمینه‌های اقتصادی شکل‌گیری انقلاب در اندیشه آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی (ره)،

دولت پژوهی ایران معاصر، ۴(۹)، ۷۹-۱۰۹.

DOR: <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27831914.1403.10.3.1.2>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

نویسندگان

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

بررسی پدیده انقلاب در مطالعات اجتماعی و سیاسی بسیار رایج است و در زمینه عوامل شکل‌گیری انقلاب در نظام‌های مختلف سیاسی مباحث زیادی در مطالعات آکادمیک و تحقیقات نظری انجام شده است. مکاتب نظری و نظریه‌های متنوعی تلاش داشتند تا پدیده‌های انقلاب را از زاویه دید خویش تحلیل نمایند و در میان رویکردهای تبیینی انقلاب می‌توان دیدگاه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی عرفانی را مشاهده کرد و گاه‌آ رویکردهای تبیینی تلاش دارند با کاربست مطالعات تجربی و ترکیب رویکردهای تبیینی، به بررسی علل انقلاب در مجامع مختلف بپردازند. برخلاف نظامات سیاسی و اجتماعی مادی، در جوامع اسلامی باوجود پدیده‌های فرهنگی و معنوی، به‌سادگی نمی‌توان به تحلیل روند انقلابی در نظام‌های سیاسی پرداخت؛ بلکه باید رویکرد چندوجهی نسبت به مقوله انقلاب داشت و زوایای مختلف نارضایتی و شکل‌گیری انقلاب را مدنظر قرارداد. باوجود این که پدیده انقلاب از منظر دینی با تحولات روحی و معنوی آغاز می‌شود؛ ولی دارای زمینه، عوامل و بسترهای اقتصادی است. به عبارتی، یکی از زمینه‌های شکل‌گیری اعتراض و وقوع انقلاب سیاسی در جوامع اسلامی، موضوعات اقتصادی است که در کنار مؤلفه‌های فرهنگی و سیاسی، پیشران دخیل در تغییرات سیاسی خواهد بود. باتوجه به اهمیت مقوله اقتصاد به‌عنوان یکی از بسترهای مهم در شتاب دگرگونی‌های اجتماعی و جابه‌جایی قدرت، لازم است به تبیین و تحلیل دیدگاه متفکران و اندیشمندان مسلمان در زمینه عوامل اقتصادی انقلاب پرداخت. یکی از اندیشمندان معاصر که کمتر به اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی ایشان در حوزه بسترهای انقلاب پرداخته شده، آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی استاد عرفان و اخلاق امام خمینی(ره) هستند که در آثار مکتوب خویش به عوامل اقتصادی نارضایتی در جامعه اسلامی اشاره دارند و در زمان حیات خویش، بارها در سخنرانی، روضه‌های خانگی، درس‌های اخلاق و جزوات خویش به مسائل اقتصادی نظام اسلامی و تأثیر ناکارآمدی اقتصادی بر دگرگونی‌ها در جامعه و سیاست اشاره داشتند. کتاب شذرات المعارف به‌عنوان یکی از آثار مهم ایشان، به مؤلفه‌های مختلف اقتصادی در اجتماع انسانی اشاره دارد و هشدارهای مختلفی در حوزه‌های ناکارآمدی فردی، اجتماعی و سیاسی را می‌توان در آن یافت که نسبت به تأثیر ناکارآمدی

اقتصادی بر شکل‌گیری ناامنی حساس بوده است. آیت‌الله شاه‌آبادی باتوجه‌به این‌که استاد اخلاق و عرفان بوده‌اند، به برخی رذیلت‌های اخلاقی و مفاسد حوزه اقتصاد توجه داشتند و عرفان اجتماعی ایشان باعث گردید تا نسبت به تأثیر مفاسد اخلاقی در حوزه اقتصاد و اجتماع بی‌توجه نباشند و زمینه‌های فروپاشی اجتماع را به مردم و کارگزاران حکومتی گوشزد نمایند. باتوجه‌به همین مسئله، مقاله حاضر با رجوع به آثار مکتوب آیت‌الله شاه‌آبادی و استعانت از روش تحلیلی-توصیفی تلاش دارد زمینه‌های اقتصادی انقلاب در نظامات اجتماعی را در اندیشه ایشان مورد کنکاش قرار دهد.

اهداف و پرسش‌های پژوهش

مکاتب نظری در مطالعات اجتماعی، علوم سیاسی و سیاست تطبیقی مترصد زمینه‌های انقلاب در کشورهای اسلامی هستند و از آنجایی‌که نظام‌های ارزشی دارای لایه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی هستند، توجه به بسترها و شکل‌گیری نارضایتی، اعتراض و انقلاب بسیار اهمیت دارد و تبیین دقیق این مسئله، نیازمند مذاقه در اندیشه و افکار اندیشمندان مسلمانی دارد که تجربه زیست در جهان اسلام را داشتند. آیت‌الله شاه‌آبادی به دلیل نگرش‌های راهبردی و اندیشه تأثیرگذار بر سیاست معاصر ایران و پرورش رهبر نهضت اسلامی ملت ایران یعنی امام خمینی(ره)، دارای افکار مترقی و برجسته‌ای در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که به دلیل شهرت ایشان به فیلسوف فطرت و رونق اندیشه‌های اخلاقی ایشان، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ازاین‌رو، پرداختن به اندیشه ایشان در حوزه انقلاب و زمینه‌های اقتصادی آن می‌تواند برای درک و فهم زمینه‌های نارضایتی در ایران معاصر حائز اهمیت باشد. بنابراین باید اشاره کرد از منظر موضوعی و هدف اصلی پژوهش، نگارندگان مترصد تحلیل زمینه‌های اقتصادی نارضایتی عمومی و شکل‌گیری انقلاب در اندیشه فیلسوف فطرت آیت‌الله شاه‌آبادی هستند و در همین راستا، پاسخ به این سؤال اصلی «زمینه‌های اقتصادی شکل‌گیری انقلاب از منظر آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی(ره) کدام‌اند؟» مدنظر این پژوهش است و برای تبیین این مسئله نیاز است به سؤالات فرعی زیر پاسخ داده شود؛

(۱) زمینه‌های اخلاقی تأثیرگذار بر روند اقتصاد که منجر به شکل‌گیری انقلاب می‌شوند، چه مواردی می‌باشند؟

(۲) در شرایط بی‌نظمی اقتصادی، چه زمینه‌های اجتماعی منجر به شکل‌گیری انقلاب می‌شوند؟

(۳) زمینه‌های حاکمیتی تأثیرگذار بر روند اقتصاد که منجر به شکل‌گیری انقلاب می‌شوند، چه مواردی می‌باشند؟

مبانی نظری پژوهش

الف. انقلاب؛ رویکرد مفهومی

از منظر مفهومی، انقلاب اشاره به "دگرگونی پیشروند اجتماعی، اقتصادی و سیاسی" دارد (کسرای، ۱۳۸۹: ۱۱۳) و نمایانگر برجسته‌ترین شکل تغییر در اجتماع انسانی است که در عرصه سیاست ناظر بر براندازی و جایگزین‌سازی حکومت است. (هیوود، ۱۳۸۴: ۵۴۶-۵۴۵) البته برخی اندیشمندان تأکید دارند انقلاب صرفاً امری سیاسی و مربوط به کنش سیاسی نیست بلکه در ابتدا، امری هستی‌شناسانه و مربوط به خودسازی است. علی شریعتی باور دارد انقلاب، عصیان، حرکت و تکامل در تاریخ بعد هستی‌شناسانه انسان است. (پورزکی و ابوالقاضی، ۱۳۹۷: ۱۲۹)

نظریه انقلاب سیاسی تأکید دارد ساختارهای اساسی جامعه در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی با دگرگونی و تحولاتی که در آنها به وجود آمده است، در برپایی قیام مردمی نقش مهمی ایفا کرده و عوامل کارگزاری شامل رهبران و مردم سهم زیادی در پیروزی انقلاب خواهند داشت. بنابراین، تقارن علل ساختاری و کارگزاری عامل سرنگونی رژیم سیاسی موجود خواهد شد. (کشاوری شگری و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۱) به تعبیر جک گلدستون، انقلاب هنگامی آغاز می‌شود که حکومتی که سابقاً تحت کنترل یک جامعه سیاسی حاکم قرار داشت، هدف ادعاهای مؤثر، رقیب و نفی‌کننده یکدیگر از سوی دو یا چند جامعه سیاسی مجزا قرار گیرد. انقلاب وقتی پایان می‌یابد که یک جامعه سیاسی واحد بار دیگر کنترل حکومت را به دست گیرد. این حاکمیت چندگانه می‌تواند ناشی از عوامل گوناگونی باشد، از جمله تلاش یک جامعه سیاسی برای سلطه بر جامعه سیاسی دیگری که تاکنون مستقل بوده؛ ادعای حاکمیت از سوی یک جامعه سیاسی که سابقاً تحت سلطه بوده؛ تشکیل بلوکی از چالش‌گران که کنترل بعضی از بخش‌های دستگاه حکومت را به دست می‌گیرند؛ و بالاخره تقسیم یک جامعه سیاسی به بلوک‌های مختلف که هر یک از آنها بخش‌هایی از حکومت را کنترل می‌کنند. (گلدستون، ۱۳۸۵: ۸۱) بنابراین، انقلاب در نقطه مقابل ثبات سیاسی و اجتماع آرام قرار خواهد گرفت. (بال و پیترز، ۱۳۸۴: ۳۲۱)

در فرهنگ قرآنی، انقلاب به معنای نوعی «برگشت» است (امامی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۷۹؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۴۹۴) و برگشت از دیدگاه متفکران مسلمان به معنای؛ آگاهانه بودن حرکت برای برگشت و تغییر، مقابله کردن با وضعیت موجود، اقدام برای دگرگونی عمیق و بنیادین، تحول برای شکل‌گیری زندگی جدید، کنش بر اساس اصول مکتب و ایدئولوژی، و کنار گذاشتن معیارها و اصول گذشته است. (جمشیدی و ایران‌نژاد، ۱۳۹۱: ۹۵) با توجه به همین بسترها است که انقلاب در تفاسیر شیعه نوعی «حرکت به پیش» است که عامل شکوفایی امید و استعداد های افراد و اجتماع خواهد بود. البته انقلاب می‌تواند ارتجاعی شود و نوعی جهش و «حرکت به پس» شکل بگیرد. (طالقانی، ج ۵: ۳۷۵) باید توجه داشت همانطور که در اطبیب البیان فی تفسیر القرآن اشاره شده، برخلاف استحاله که "صورت نوعیه" تغییر می‌کند، در انقلاب‌ها، "صفت صنفیه" یا همان خمیر مایه و حقیقت جنس تغییر خواهد داشت. (طبیب، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۲۰) بنابراین، اصلاح شالوده حرکت سالم سازی فضای زیست آدمی است و در جریان اصلاحی نیز رفع موانع و مفسد با روش‌های متنوع است؛ اما انقلاب یکی از روش‌های ایجاد اصلاح است. (هزاوه‌ای، ۱۳۸۰: ۱۹۵)

ب. نوسازی

نوسازی از دیدگاه "دانیل لرنر" یک فرآیند سیستمی شامل تغییرات تکمیلی در بخش‌های مختلف جمعیتی، اقتصادی، سیاسی، ارتباطات و فرهنگی جامعه می‌باشد. "مونت پالمر" نوسازی را به مثابه یک فرآیند حرکت در نظر می‌گیرد که مترصد است به طرف مجموعه‌ای از روابط آرمانی حرکت نماید. وی معتقد است این مفهوم به یک الگوی آرمانی اشاره دارد که از نظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باید تحقق یابد. (هدی، ۱۳۸۱) نوسازی دارای ابعاد گوناگون روان‌شناسی، جمعیت‌شناسی، اقتصادی و سیاسی است که در این تئوری ابعاد اقتصادی و سیاسی نوسازی اهمیت بنیادی دارند. نوسازی اقتصادی در این تئوری همان توسعه اقتصادی است که به رشد فعالیت اقتصادی کل جامعه و بازده آن مربوط می‌شود. از نظر اقتصادی نوسازی به معنی ایجاد تنوع و تکثر فعالیت‌ها و مشاغل اقتصادی است، به طوری که مشاغل پیچیده و گوناگون جایگزین مشاغل ساده و محدود شده و به گروه‌بندی‌های خویشاوندی، نژادی و مذهبی موجود، گروه‌بندی‌های شغلی و تخصصی نیز افزوده می‌شود. (معمار، ۱۳۸۵: ۳۴۷) نوسازی سیاسی به معنای حرکت از جامعه سیاسی سنتی به سمت جامعه سیاسی نوین است. امر نوسازی سیاسی مستلزم امور زیر است؛

(۱) معقول شدن اقتدار سیاسی، (۲) تمایز کارکردهای سیاسی نوین و رشد ساختارهای مختص هر یک از این کارکردها، (۳) تمایز حوزه‌های خاص حقوقی، نظامی، اداری و علمی از قلمرو سیاست در راستای تفکیک کارکردهای سیاسی، (۴) اشتراک گسترده گروه‌های مختلف اجتماعی در امور سیاسی؛ به طوری که در جامعه سیاسی نوین مردم مستقیماً در حکومت دخالت کرده و می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های سیاسی نقش فعال‌تری را بازی کنند. بدین ترتیب نوسازی در عمل همیشه با دگرگونی و معمولاً با از گسیختگی نظام سیاسی سنتی همراه است. (معمار، ۱۳۸۵: ۳۴۷)

پ. رهیافت اقتصاد سیاسی

رهیافت اقتصاد سیاسی یک روش مطالعه علمی درباره پدیده‌های اجتماعی است و در این روش با اتکا به وجود ارتباط میان مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی در شکل‌دادن به پدیده‌های اجتماعی شکل گرفته است. به عبارتی، اقتصاد سیاسی را می‌توان نوعی نگرش ژرف‌اندیش به حساب آورد که در چارچوب آن می‌توان مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماع‌ی را به صورت بنیادی‌تر مورد توجه و تحلیل قرارداد. (سنایی و مظفری پور، ۱۳۹۷: ۲۳) بررسی روابط میان پدیده‌ها و متغیرهای اقتصادی هدف نظریه‌های اقتصادی در مطالعات انقلاب‌های اجتماعی است و این گونه نظریات تلاش دارند به تحلیل شرایط اقتصادی قبل از وقوع اعتراضات سیاسی و شکل‌گیری انقلاب بپردازند. شرایط و زمینه‌های اقتصادی انقلاب اشاره به وضعیتی دارند که بسترهای تغییر سریع در وفاداری جامعه انسانی نسبت به نظام سیاسی و هیئت حاکمه را در کوتاه‌مدت فراهم می‌کند و منجر به توسعه سطح نارضایتی عمومی یا بخش‌های عمده‌ای از جامعه هدف می‌شود. (رهبری، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۳) بنابراین، منظور از رهیافت اقتصادی انقلاب، تبیین‌هایی است که عوامل اقتصادی را یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در روند انقلاب به شمار می‌آورند و بخش عمده‌ای از تبیین‌های ساختاری انقلاب مربوط به تبیین‌های است که اقتصاد سیاسی را به عنوان یکی از عوامل بسترساز انقلاب مورد تأکید قرار می‌دهند. (گل محمدی، ۱۳۸۴: ۶۷)

در رهیافت‌های اقتصادی مربوط به پدیده اجتماعی انقلاب باید بر نقش‌های اقتصادی، بی‌نظمی و خرده‌نظام اقتصادی توجه کرد. مبتنی بر این رهیافت، برای این که اقتصاد به صورت نظام‌وار بقا یابد، باید هنجاری شود؛ یعنی نهادینه شود. پس برای بقا که لازمه آن نوعی نهادینه‌شدن است، عنصر دیگری لازم است و آن چیزی جز «نقش» نیست. منظور از نقش (RO) مجموعه هنجارهای

مختلفی برای انجام کاری (A) است. نقش اقتصادی (Roe) عبارت است از مجموعه‌ای خاص و بالقوه از هنجارهای اخلاقی، هنجارهای اجتماعی، هنجارهای قانونی و هنجارهای رویه‌ای برای فعالیت‌های اقتصادی خاص. از ترکیب این نقش‌های اقتصادی، نهاد اقتصادی (EI) شکل می‌گیرد. مبتنی بر این رهیافت، اقتصاد چیزی بیش از مجموعه عوامل تولید، منافع مادی و عقلانیت ابزاری تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است و باید پارامترها و زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در ارتباط با اقتصاد در کشورها رو مورد توجه قرارداد. قانونمندی اقتصادی وابسته به میزان نظم اقتصادی است و رویکرد نظم در بخش اقتصاد ملی تابع میزان نهادینه‌شدن اقتصاد در جامعه است و میزان این نهادینه‌شدن به فاکتورها و مؤلفه‌هایی همچون یکپارچگی، شفافیت، جامعیت، درک و تعهد مشترک نسبت به نقش‌های عمده اقتصادی دارد. فقدان این نقش‌های اقتصادی منجر به آنومی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌شود و چنین روندی پارازیت‌های خرده‌نظام اقتصادی را افزایش می‌دهد. دستاورد این مسئله، کاهش نظم‌پذیری و ناپایداری اقتصاد می‌شود. (جلبی، ۱۳۸۹: ۸۹-۹۰)

ت. بی‌نظمی و آنومی جامعه

از نظر دورکیم، آنومی جامعه سیاسی اشاره به وضعیت رابطه دولت-ملت دارد. به عبارتی، آنومی سیاسی هنگامی رخ می‌دهد که رابطه دولت-شهروند در جامعه سیاسی برهم‌خورده و عبارت از وضعی است که قواعد با هنجارهای جامعه به‌ویژه قوانین اساسی که حقوق و وظایف متقابل دولت و شهروندان را مشخص می‌سازند، دیگر برای کنشگران (دولت و شهروندان) الزام‌آور نیستند و پیروی از آنها مطلوبیتی ندارد. نتیجه چنین وضعی، دگرگونی سیاسی خواهد بود است. (رجب‌زاده و کوثری، ۱۳۸۱: ۳۱) بنابراین، بی‌نظمی اقتصادی علاوه بر شرایط بدخیم اقتصادی، منجر به آنومی سیاسی خواهد شد که دستاورد آن می‌تواند وقع انقلاب باشد.

با توجه به توضیحات بالا در حوزه تأثیر نظم بر روند پایداری یا ناپایداری اقتصاد، باید اشاره شود رعایت مصالح اجتماعی منجر به نظم اجتماعی و جلوگیری از دورشدن جامعه از اهداف ترسیم شده مبتنی بر مصلحت و خیر عمومی است. با این منطق، هر چیزی که جامعه را به‌سوی اهداف اقتصادی و سیاسی سوق دهد، «مصلحت» بوده و هر چیزی که جامعه از مسیر تحقق اهداف و نظم مطلوب باز دارد یا سرعت دستیابی به آن را مختل نماید، «مفسده» شمرده می‌شود. مبتنی بر مصالح

اجتماعی در خرده‌نظام اقتصادی، اهداف نقش‌های اقتصادی و نهادهای مرتبط با آن را می‌توان امنیت، عدالت، رشد و توسعه اقتصادی دانست. (میرمعزی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۱۵۲) اگر نظام سیاسی نتواند این اهداف اقتصادی را تامین نماید یا توجهی به مصالح ملت نداشته باشد، زمینه‌های بی‌نظمی و دگرگونی در خرده‌نظام اقتصادی شکل می‌گیرد و به تبع آن، آنومی سیاسی و اجتماعی شکل می‌گیرد. عدم توانمندی در ارائه خروجی‌های مناسب اقتصادی به جامعه، شرایط برای نارضایتی، اعتراض و بی‌نظمی فراگیر فراهم می‌شود و بستر آفرین انقلاب است؛ انقلابی که برای دگرگونی روابط فاسد اقتصادی موجود شکل خواهد گرفت. به تعبیر شهید باهنر در کتاب مباحثی پیرامون انقلاب اسلامی، در کشورهای مادی‌گرا، «انقلاب اقتصادی است و حتی اقتصاد به عنوان زیربناست؛ یعنی توزیع ثروت، تولید و توزیع، گونه‌ای دیگر بوده است و انقلاب می‌آید روابط اقتصادی را دگرگون می‌کند.» (باهنر، ۱۳۸۷: ۲۶۰) البته در جوامعی که ارزش و فرهنگ دارای جایگاه برجسته‌ای است، انقلاب منجر به دگرگونی نظام فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، سیاسی و سایر بخش‌ها خواهد شد و بی‌نظمی در خرده‌نظام اقتصادی تنها بخشی از روند انقلاب در بین جوامع اسلامی است.

بر اساس تأکيدات نظریه‌پردازان اقتصادی در حوزه انقلاب‌های مشهور جهانی، جنبش انقلابی نیازمند بسیج عمومی بوده و شرایط بحرانی در اقتصاد که بر عامه مردم تأثیر خواهد داشت، زمینه بحران انقلابی را فراهم می‌آورد. بنابراین، در کشورهایی که از نظر اجتماعی و سیاسی مستعد تغییرات اساسی و دگرگونی در عرصه راهبردی سیاست می‌باشند، کمیت منازعات سیاسی در زمان وقوع بحران‌های مالی و وخامت اقتصادی نیز توسعه پیدا می‌کند. به عنوان نمونه، عوامل اقتصادی مانند کمبودهای ناگهانی، بیکاری، افزایش قیمت‌ها و کاهش دستمزدها با شکل‌گیری اعتراض، بی‌ثباتی سیاسی و انقلاب‌ها ارتباط نزدیکی دارند. (رهبری، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۴-۲۳) با توجه به این مسئله، میراث اقتصادی رژیم سیاسی موجود شامل منابع اداری، سرمایه مادی و سرمایه انسانی در انقلاب سیاسی تأثیر می‌گذارد. دیوان‌سالاری ناکارآمد و فاسد، وابستگی اقتصاد به بازیگران بین‌المللی، بنیان‌های ضعیف فعالیت‌های اقتصادی، عدم تربیت نیروی انسانی و غیره تأثیر بر روند انقلاب خواهند داشت. (سبزه‌ای و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۸)

روند توسعه اقتصادی شکننده و افزایش سطح نابرابری‌ها زمینه‌سازی فروپاشی نظام اجتماعی و نارضایتی سیاسی می‌شود. به عبارتی، کمبودها و بی‌عدالتی می‌تواند از هم‌پاشیدگی به همراه داشته باشد. (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۵۴۱) نظریه پردازان انقلاب نظیر الکسی دوتوکیل، جیمز دیویس، جان فوران و بخش زیادی از متکران تاکید دارند رکود اقتصادی در آستانه نارضایتی‌های سیاسی، موجب تندتر شدن فعالیت‌های اعتراضی می‌شود و انفجار انقلابی را در پی خواهد داشت. (عمویی، ۱۳۹۸: ۸۵) در رویکرد اسلامی، چالش‌ها و عدم تحقق الگوی اسلامی اقتصاد یک تهدید برای جامعه است که منجر به نارضایتی و انقلاب خواهد شد. ربا و اقتصاد ربوی به دلیل مسلط نمودن الگوی اقتصادی غیرمولد و ترویج سودجویی، باعث از بین رفتن مبانی اقتصاد در نظام اسلامی (از جمله درون زایی، تولید محوری و اصل مردمی بودن) می‌شوند که در تضاد با گفتمان اقتصاد اسلامی قرار می‌گیرند. متفکران مسلمان و علما راه دستیابی به الگوی کارآمد اسلامی در حوزه اقتصاد را کاربست حرمت ربا در عرصه فعالیت بانک‌ها، اصلاح نظام مالی حاکم بر اقتصاد ملی، تاکید بر مجاهدت اقتصادی برای توانمندسازی معیشت ملی، احترام به توانایی‌های داخلی، کارآفرینی و اشتغال مولد اعلام کرده‌اند. (خلیلی‌مقدم و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۱) بنابراین، زمانی که دوری از احکام اقتصادی در جوامع اسلامی منجر به بی‌نظمی اقتصادی شود، این بی‌قاعدگی در روابط اقتصادی منجر به تسهیل‌گری آنومی در بخش‌های مختلف اجتماعی می‌شود و انقلاب یک پدیده برای اصلاح وضع موجود خواهد بود.

پیشینه پژوهش

در زمینه اندیشه عرفانی و نظرات اخلاقی آیت‌الله شاه‌آبادی آثار پژوهشی در قالب‌های متنوعی منتشر شده است و تاملات سیاسی و اقتصادی ایشان کمتر مورد پژوهش قرار گرفته است. بررسی سوابق پژوهش‌های انجام شده در حوزه اندیشه آیت‌الله شاه‌آبادی نشان داد تا زمان نگارش مقاله حاضر، هیچ مقاله‌ای در زمینه انقلاب و بسترهای شکل‌گیری آن از منظر آیت‌الله شاه‌آبادی منتشر نشده است. برخی از آثار پژوهشی نزدیک به محتوای این مقاله به شرح زیر هستند؛ کتاب شذرات المعارف مهم‌ترین اثر آیت‌الله شاه‌آبادی است که بازتاب اندیشه اقتصادی و سیاسی ایشان است و بهترین نظریات ایشان در حوزه زمینه‌های انقلاب و نارضایتی را می‌توان در آن جستجو کرد. (شاه‌آبادی، ۱۳۸۷) قریبی در مقاله «بررسی سیره نظری و عملی آیت‌الله محمدعلی

شاه‌آبادی در اصلاح اقتصادی و اجتماعی» به بررسی عملکرد آیت‌الله شاه‌آبادی برای اصلاح جامعه ایرانی در عصر پهلوی می‌پردازد و برخی از نارضایتی‌های اقتصادی از منظر آیت‌الله شاه‌آبادی را مطرح ساخته است. (قربی، ۱۳۹۸: ۴۵-۲۶) در پژوهشی با عنوان «راهبردهای استحکام اقتصادی نظام سیاسی اسلام از منظر آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی (ره)» که توسط جمشیدی‌ها و قربی منتشر شد به اقدامات نهادسازانه شاه‌آبادی در حوزه اقتصاد پرداختند و ایده‌های نوین ایشان نظیر شرکت مخمس، تأسیس قرض‌الحسنه، جمعیت اخوان و غیره را مورد بررسی قرار داده است. (جمشیدی‌ها و قربی، ۱۰۸-۷۸) این پژوهشگران در مقاله مشترک دیگری با عنوان «تحلیل مضمون الگوی حکمرانی اقتصادی مبتنی بر سیاست عِدّه و عُده در اندیشه آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی(ره)» تلاش داشتند تا راهبردهای برون‌رفت از تهدیدات اقتصادی حکومت اسلامی از دیدگاه ایشان مورد بررسی قرار بگیرد و با کاربرست تحلیل مضمون، الگوی حکمرانی مطلوب در حوزه اقتصاد از حیث دو بعد نیروی انسانی و ابزارهای اقتصادی ارائه گردید. (جمشیدی‌ها و قربی، ۱۴۰۰: ۵۱-۷) احمدعلی یوسفی مقاله «تحلیل الگوی اقتصادی آیت‌الله شاه‌آبادی» تلاش دارد تا مباحث کلیدی اقتصاد در اندیشه آیت‌الله شاه‌آبادی را مطرح کند و تلاش نگارنده به این قرار بوده است که الگوی عملیاتی در مسائل مالی و نحوه آسیب‌شناسی اقتصادی در اندیشه ایشان را ترسیم نماید. (یوسفی، ۱۳۹۴: ۱۱۲-۸۷) کتاب «حدیث عشق و فطرت» به‌وسیله گروهی از پژوهشگران و انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر گردید. در این مجموعه، اندیشه آیت‌الله شاه‌آبادی از زوایای مختلف سیاسی، عرفانی، اخلاقی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت و مباحث اقتصادی مندرج در این مجموعه بسیار اندک است. (مجموعه نویسندگان، ۱۳۸۶) رضی بهابادی در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد با عنوان «نظریه‌های اقتصادی - سیاسی آیت‌الله شاه‌آبادی (ره)» مترصد تبیین ارتباط نظام‌مند و مؤثر سیاست و اقتصاد در اندیشه آیت‌الله شاه‌آبادی است. (رضی بهابادی، ۱۳۸۹)

بررسی منابع پژوهش فوق‌نشان می‌دهد که در خصوص اندیشه آیت‌الله شاه‌آبادی در حوزه انقلاب و تبیین دلایل اقتصادی آن هیچ پژوهشی در قالب‌های مقاله، کتاب، طرح پژوهشی، پایان‌نامه و رساله دکتری منتشر نشده است. درعین حال، توجه به لایه‌های مختلف نارضایتی اقتصادی بر اساس

مکتوبات آیت‌الله شاه‌آبادی تاکنون مغفول مانده است و این پژوهش تلاش دارد خلاهای موجود در این حوزه را مورد بررسی قرار دهد.

جدول ۱. بررسی پیشینه پژوهش در خصوص دیدگاه آیت‌الله شاه‌آبادی نسبت به انقلاب و مسائل اقتصادی				
ردیف	پژوهشگر/پژوهشگران	عنوان	محل نشر	موضوع
۱	محمدعلی شاه‌آبادی	شذرات المعارف	پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی	اثر تألیفی آیت‌الله شاه‌آبادی در حوزه سیاست، اقتصاد، عرفان، اخلاق و اجتماع
۲	سید محمدجواد قربی	بررسی سیره نظری و عملی آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی در اصلاح اقتصادی و اجتماعی	فصلنامه مطالعات تاریخی	تبیین اصلاحات اقتصادی و اجتماعی نظام اسلامی از دیدگاه آیت‌الله شاه‌آبادی
۳	غلامرضا جمشیدی‌ها و سید محمدجواد قربی	راهنماهای استحکام اقتصادی نظام سیاسی اسلام از منظر آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی (ره)	فصلنامه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت	ملزومات اقتصاد قوی در اندیشه آیت‌الله شاه‌آبادی
۴	غلامرضا جمشیدی‌ها و سید محمدجواد قربی	تحلیل مضمون الگوی حکمرانی اقتصادی مبتنی بر سیاست عدّه و غلّه در اندیشه آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی (ره)	فصلنامه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت	ارائه الگوی مطلوب اقتصادی در نظام اسلامی از منظر نیروی انسانی و ابزار اقتصادی
۵	احمدعلی یوسفی	تحلیل الگوی اقتصادی آیت‌الله شاه‌آبادی	فصلنامه اقتصاد اسلامی	ارائه نمای کلی اندیشه اقتصادی آیت‌الله شاه‌آبادی

۶	مجموعه نویسندگان	حدیث عشق و فطرت: مجموعه مقالات درباره آراء حکمی معرفتی آیت الله العظمی محمدعلی شاه آبادی	پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی	بررسی افکار و اندیشه های آیت- الله شاه‌آبادی در حوزه اقتصاد، سیاست، فقه و عرفان
۷	سید محمدرضا رضی بهابادی	نظریه‌های اقتصادی - سیاسی آیت الله شاه آبادی	پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)	تبیین نظری و مفهومی اندیشه های اقتصادی و سیاسی آیت‌الله شاه آبادی

روش‌شناسی پژوهش

پارادایم‌ها و مکاتب پژوهشی متعددی در علوم اجتماعی با بررسی متون و اسناد سر و کار دارند و روش اسنادی، به‌منزله کانون روشی مشترکی، در میان آنها قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، اصحاب پارادایم‌های هرمنوتیک، تفسیرگرایی و روش‌شناسی مردم‌نگارانه در مطالعات و تحلیل‌های خود از اسناد و مدارک استفاده می‌کنند. در این بین، برخی از پارادایم‌ها سهم بیشتری در به‌کارگیری و توسعه تکنیکی روش اسنادی داشته‌اند. روش اسنادی یعنی تحلیل آن دسته از اسنادی که شامل اطلاعات درباره پدیده‌هایی است که قصد مطالعه آنها را داریم. روش اسنادی مستلزم جستجوی توصیفی و تفسیری است. در روش اسنادی، پژوهشگر به دنبال واکاوی مقاصد ذهنی و ادراک انگیزه‌های پنهان یک متن نیست. به‌همین دلیل، نمی‌توان توسعه تکنیکی روش اسنادی را چندان به سنت هرمنوتیک متصل کرد. در روش اسنادی، علاقه پژوهشگر این است که از فهم مقاصد و انگیزه‌های اسناد و متون یا تحلیل‌های تأویلی یک متن خارج شده و آن را به‌عنوان زبان مکتوب و گفتمان نوشتاری نویسنده، پذیرفته و مورد استناد قرار دهد. بنابراین، بستر معرفت‌شناختی و تکنیکی در روش اسنادی بیشتر به پارادایم تفسیری نزدیک است. روش اسنادی روشی کیفی است که پژوهشگر تلاش می‌کند تا با استفاده نظاممند و منظم از داده‌های اسنادی به کشف، استخراج، طبقه‌بندی و ارزیابی مطالب مرتبط با موضوع پژوهش خود اقدام نماید. روش اسنادی

دارای ویژگی‌های زیر است: روشی غیرمزمحمتی است و پژوهشگر را درگیر میدان نمی‌کند؛ هنگامی که نمی‌توان در جمع‌آوری داده‌ها مستقیماً به میدان وارد شده و به مصاحبه یا مشاهده پرداخت، روش اسنادی می‌تواند بخشی از داده‌های پیشین را در اختیار ما قرار دهد؛ به‌عنوان تکنیک مکمل برای برخی از روش‌ها و بسیاری از پژوهش‌ها تلقی می‌شود. (صادقی فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴، صص ۶۹-۶۵) با توجه به توضیحات بالا، مقاله حاضر در حوزه پژوهش اسنادی قرار دارد و از نوع مطالعات کیفی و اکتشافی است. برای تبیین دیدگاه آیت‌الله شاه‌آبادی در زمینه تبیین زمینه‌های اقتصادی شکل‌گیری انقلاب از مطالعات کتابخانه‌ای و فیش‌برداری متن بهره گرفته می‌شود تا تحلیل و توصیف زمینه‌های انقلاب از دیدگاه ایشان انجام شود. تحلیل متن با چند ویژگی نظام‌مندی، ارتباط بخش‌های معنایی با موضوع و آشکاربودن ماهیت متن همراه است. منبع تحلیل در مقاله حاضر، آثار آیت‌الله شاه‌آبادی و منابع دست اول مرتبط با آن می‌باشد و مقوله تحلیل، دسته‌بندی زمینه‌های اقتصادی شکل‌گیری انقلاب با توجه به روندهای ترسیم شده در رویکرد نظری می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش یافته‌های مقاله در زمینه «تبیین زمینه‌های اقتصادی انقلاب از منظر آیت‌الله شاه‌آبادی» به شرح زیر ارائه می‌شود.

الف. زمینه‌های اخلاقی بی‌نظمی اقتصاد و انقلاب

در این بخش تلاش می‌شود با مراجعه به اندیشه آیت‌الله شاه‌آبادی، زمینه‌های اخلاقی تاثیرگذار بر روند اقتصاد که منجر به شکل‌گیری انقلاب می‌شوند را مورد بررسی قرار دهیم. اقتصاد شامل مجموعه‌ای از روابط تولید، توزیع و مصرف است که در نظام اسلامی، اخلاق یکی از مباحث راهبردی در این حوزه‌های سه‌گانه است و بی‌توجهی به اخلاق اقتصادی در جامعه دینی منجر به بی‌نظمی و تهدید برای اقتصاد ملی خواهد بود.

آیت‌الله شاه‌آبادی بر لزوم توجه به اخلاق تاکید ویژه دارند و براساس اعتقاد ایشان، وابستگی به ارزش‌های اخلاقی از ملزومات فطرت انسانی است. (شاه‌آبادی، ۱۳۹۴: ۲۲) ایشان به کسبه و تجار فعال در بازار توصیه می‌نمودند اخلاق را در معاملات اقتصادی رعایت نمایند. در یکی از توصیه‌های اخلاقی ایشان آمده است: «در کاسبی تان انصاف به خرج دهید، و واقعاً منفعتی را که

می‌توانید، همان را در نظر بگیرید. در معاملات، چشم‌هایتان را ببندید و بین دوست و آشنا و غریبه و شهری و غیر شهری فرق نگذارید.» (یارحسینی، ۱۳۸۳: ۲۷۰) این توصیه‌ها به این دلیل بود که عدم رعایت موازین اخلاقی در تجارت و معاملات اقتصادی، منجر به بی‌نظمی و فرسایش عدالت در جامعه می‌شود.

ایشان اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن را در حکمت عملی مورد توجه قرار داده و در راستای این سه رویکرد نیز اصلاح اخلاقی فرد، خانواده و جامعه را در مدنظر داشتند. (میرانی‌مقدم، ۱۳۹۰: ۷۸) در اندیشه شاه‌آبادی باید اشاره شود محور ارزش‌های اخلاقی در عرصه اقتصادی، اخوت است. وی با تکیه بر روایت پیامبر اکرم بسیاری از ارزش‌های اخلاقی را ذیل اخوت تعریف می‌کند. در حقیقت آخرت به عنوان نخ تسبیح، تمام رفتارها و روابط اقتصادی را به هم پیوند می‌دهد، بنابراین اخوت را از احکام سیاسی الهی می‌داند. در نتیجه، کارکرد اخلاق اسلامی را یک نوع کارکرد فردی نمی‌داند، بلکه باور دارد که قرآن کریم به عنوان منبع اصلی معارف اسلامی با اسلام انفرادی تناسبی ندارد. آیت الله شاه‌آبادی باور دارد که پس از استخراج الگوی اقتصادی بر اساس مبانی هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی اسلامی، تمام افرادی که قصد فعالیت اقتصادی در این الگوی اقتصادی را دارند باید تمام شرایط عضویت و فعالیت اقتصادی را با عقد خارج لازم ملتزم شوند. به این ترتیب، رعایت ارزش‌های اخلاقی در درون الگوی اقتصادی مورد تفسیر وی به امر الزامی تبدیل می‌شود. به این ترتیب کارکرد ارزش‌های اخلاقی در عرصه اقتصادی اعتماد و اطمینان بالایی خواهد داشت. (یوسفی، ۱۳۹۴: ۹۹-۹۸)

توضیحات فوق نشان می‌دهد که تبیین مسئله انقلاب از منظر اخلاق اقتصادی در اندیشه و گفتارهای آیت‌الله شاه‌آبادی به این قرار است که «اخلاق رذیله اقتصادی» عامل نارضایتی مردم و علما خواهد بود و عدم اصلاح شرایط موجود، منجر به حرکت جمعی مبتنی بر سیاست الهی در راستای اصلاح وضع وجود خواهد شد و هرگونه مقاومت از سوی نظام سیاسی موجود، منجر به اقدام جمعی برای تغییر نظام سیاسی ظالم و فاسد خواهد شد.

در تبیین نسبت اخلاق اقتصادی و پدیده انقلاب در اندیشه شاه‌آبادی، توجه به این نکته ضروری است که سامان اقتصادی از اخلاق مایه می‌گیرد و هم‌بدان قوام و سامان می‌گیرد. آغاز کتاب شذرات المعارف، به تهدید جدی و مهم رشد رذیلت‌های اخلاقی و رفتاری اشاره شده است که

نشان از اهمیت این تهدید برای جوامع اسلامی در اندیشه سیاسی و اقتصادی آیت الله شاه آبادی می باشد. (جمشیدیها و قربی، ۱۳۹۸: ۱۸) در بخشی از شذره اول کتاب آمده است: «مدت زمانی است که مملکت اسلام مبتلا به امراض مزمنه و مهلکه شده، انتشار عقاید باطله و اخلاق رذیله و افعال قبیحه به حدی است نمی توان جامعه را نسبت به انسانیت داد، فضلا عن الاسلامیه، و روز به روز در شدت و فشار آن امراض است تا رفته رفته مزاج آن را بالکلیه فاسد و اسمش را مانند رسمش محو نماید؛ نعوذُ بالله منه» (شاه آبادی، ۱۳۸۰: ۳)

به اعتقاد شاه آبادی، منشأ اصلی افعال قبیحه و پلشتی ها در امور اقتصاد، غفلت انسان ها و عدم آگاهی آنها می باشد؛ زیرا غفلت آنها از پرداختن به پایه های زندگی اقتصادی منجر به نیاز، وابستگی، تضعیف کرامت، فساد اخلاقی و عملکرد ناشایست در روابط اقتصادی فردی خواهد شد و اگر اجتماع یا حکومت اسلامی به رذیله غفلت و نادانی دچار شوند، آنها هم گرفتار فساد روز افزون و بی اخلاقی در امور مدنی خواهند شد تا جایی که تزیاد در رفتار منافی اخلاق می تواند منجر به تباهی و سقوط آنها شود. بنابراین، قلع و قمع فساد اخلاقی باید در جامعه اسلامی مورد توجه برادران دینی باشد. (جمشیدیها و قربی، ۱۳۹۸: ۱۸) لاجرم، بی اخلاقی های افراد، جامعه و حاکمان در حوزه رفتار اقتصادی می تواند نظم مطلوب در عرصه روابط اقتصادی را نابود سازد و این روند بی نظمی، الگوی نوسازی اقتصادی که نیازمند اخوت، همگرایی اجتماعی و توجه به اصول مکتبی است را در نظام اسلامی مورد خدشه قرار دهد و ناکارآمدی نوسازی اقتصادی، بسترهای حرکت های اعتراضی و در نهایت انقلاب را فراهم می آورد.

ب. بی نظمی اقتصاد و زمینه های اجتماعی انقلاب

در این بخش تلاش خواهد شد به این سوال پاسخ داده شود که در در شرایط بی نظمی اقتصادی، چه زمینه های اجتماعی ای منجر به شکل گیری انقلاب می شوند؟ در پاسخ به این سوال باید توضیح داد از توجهات جامعه شناسانه و دقیق اندیشه سیاسی آیت الله شاه آبادی، بررسی نقطه عزیمت جامعه دینی و جامعه مدنی است. اگرچه واژه جامعه مدنی و جامعه دینی در عصر ایشان متداول نبوده، ولی محتوای کلام ایشان گویای همان حقیقتی است که تعبیر و ترجمان آن به صورت جامعه مدنی صحیح می نماید.

در زمینه جامعه‌شناسی، شاه‌آبادی از اثبات مدنی بالطبع بودن انسان آغاز می‌نماید و تاکید دارد انسان چاره‌ای جز زندگی جمعی، برای رفع نیازهای علمی و عملی خود ندارد، چرا که «رفع احتیاجات علماً و عملاً در عهده یک نفر بیش نخواهد بود.» بنابراین «حس احتیاج موجب فتح باب معاونات و اجتماعات است.» پس از اثبات مدنی بودن انسان، به بحث تمدن‌سازی بشری می‌رسد و زیربنای اساسی تمدن انسانی را همان داد و ستد و تبادل نیازها می‌شمرد: «حس تمدن انسانی مقتضی قیام به حاجتی است در مقابل اقدام دیگری به حاجت آن، مثل آنکه نجاری در مقابل بنایی و غیرها واقع شود.» (جعفرپیشه فرد، ۱۳۸۱: ۹۹) پس جامعه مدنی و تمدن انسانی بر اساس رفع نیاز خود از دیگران و به صورت معاوضه و مبادله نیازها استوار است. چنین جامعه‌ای که بر پایه رفع نیاز خود استوار است و همه نگاهش معطوف به خود و رفع مشکل و نیاز از خود است، از حیطه تعالیم انبیاء و مفاهیم وحیانی آسمانی کاملاً به دور و با آن بیگانه است. آنچه پیامبران الهی به دنبال آن بوده‌اند و رمز ارسال رسل و انزال کتب بوده، دور کردن بشر از این حس خودخواهی و استوار کردن جامعه‌ای دینی است. نقطه عزیمت جامعه دینی از جامعه مدنی از همین جا شروع می‌شود. این است که در جامعه مدنی که زیربنای تأسیس آن را رفع نیاز خود تشکیل می‌دهد، مفاهیمی همچون تعاون، ایثار، انفاق، گذشت، خدمت، صداقت، اخلاص، عشق و محبت و غیره، مفاهیمی بیگانه با قاموس آن است؛ چرا که اساس تفکر آن را داد و ستد و معاوضه و مبادله، نه تنها در عرصه اقتصاد، که در تمامی عرصه‌های زندگی تشکیل می‌دهد. در جامعه دینی نیز پایه و زیربنای تمدن، ایمان به خدا و قیامت است و بر این پایه همه انسانها در دو جمله "اَما اخ لك فی الدین" و "اونظیر لك فی الخلق" جای خواهند گرفت. در این جامعه، محور از "خود" به "غیر" دگرگون می‌شود و ملاک رفع نیاز دیگری قرار می‌گیرد. از این روست که تمامی واژه‌های ارزشی و انسانی در جامعه همچون: تعاون، ایثار، محبت، عشق، انفاق، گذشت و غیره به قاموس آن راه پیدا می‌کند و امکان تعبیر و تفسیر آن میسر می‌شود. (جعفرپیشه فرد، ۱۳۸۱: ۹۹-۱۰۰) بنابراین، جامعه‌ای که مترصد تامین نیازهای شهروندان نباشد و روحیه جمعی در آن ضعیف باشد، اقتصاد با مشکل مواجه خواهد بود.

براساس تاملات سیاسی آیت‌الله شاه‌آبادی، اگر حاکمان دچار فساد، تباهی و روحیه استکباری باشند، جامعه دینی از ظرفیت امر به معروف و نهی از منکر برخوردار است و با وجود فساد

اقتصادی دولت، مردم این توانایی را دارند که با نهی از منکرات اقتصادی، مانع فعالیت‌ها و مفسده‌های اقتصادی حاکمان شوند. اگر نظام سیاسی همچنان بر فساد خود نظیر تعرض به بیت‌المال ایستادگی کرد، یکی از بنیان‌های نظری انقلاب در اندیشه ایشان، امر به معروف و نهی از منکر حاکمان است.

در تبیین مسئله حاضر باید اشاره کرد آنچه اهمیت دارد این است که امر به معروف و نهی از منکر هم شامل مردم هم شامل حاکمان است. اگر حاکمان جامعه اسلامی عادل نباشند، عقلاً و سمعاً بر مردم واجب است ایشان را اصلاح، امر و نهی کنند. ترک چنین امر و نهی ای خود از عوامل فساد در طبقه حاکمان و نهایتاً جامعه خواهد بود. ولی متأسفانه فرقه‌های مختلف مسلمان در این زمینه اتفاق نظر ندارند و همین امر سبب خودکامگی برخی حاکمان جوامع مسلمان شده است. اهل حدیث هیچ اعتقادی به قیام مسلحانه بر علیه حاکم فاسق ندارند. امروزه با تئوری مترقی ولایت فقیه، حضور ولی فقیه و فرمان وی برای شیعه امامیه مثل فرمان امام است و واجب الاطاعه. سایر فرق مسلمان از جمله زیدیه، اسماعیلیه، خوارج و گروه‌هایی از اهل سنت، امر به معروف و نهی از منکر را با دست، زبان و شمشیر واجب دانسته‌اند. می‌توان به این نتیجه عقلی رسید که حاکمان نیز از خطا و لغزش مصون نبوده‌اند و باید امت مسلمان، آنان را امر به معروف و نهی از منکر کنند و اگر چنین نهی‌ای اجرا شود، حاکمان از خطاها و لغزش‌های بسیاری مصون خواهند ماند. (گوهری، ۱۳۸۷: ۳۶۵-۳۶۴)

اگر تذکر لسانی و امر به معروف منجر به جلوگیری از مفساد فراگیر اقتصادی و سیاسی نشد، مردم می‌توانند به جایگزینی نظام سیاسی از طریق انقلاب اقدام نمایند. با این اوصاف، در حوزه زمینه‌های اجتماعی شکل‌گیری انقلاب در حوزه اقتصاد باید به نارضایتی عمومی و به تعبیر بهتر جامعه دینی از عملکرد اقتصادی دولت/نظام سیاسی منجر می‌شود تا مسلمان با تاکید بر اصل امر به معروف و نهی از منکر مترصد تغییر نظام سیاسی شوند و جایگزینی اسلامی برای آن در نظر بگیرند.

نورالله شاه‌آبادی در توضیح موضوع امر به معروف و نهی از منکر در کتاب شذرات المعارف اشاره داشته‌اند هر کس وظیفه دارد از رشد زشتی‌ها در جامعه جلوگیری کند و عدم ارتکاب شخصی ملاک سلامت جامعه نیست؛ زیرا اسلام برای هر درد درمانی تجویز کرده است و اگر

کسی گرد اعمال زشت نمی چرخد، باید دیگران را نیز از ارتکاب به آن باز دارد و با اشاعه این سنت نیک، جامعه را از آلوده شدن به گناه و جنایت‌های خانمانسوز حفظ کند. اسلام این وظیفه را برعهده مسلمانان نهاده و با تقویت روحیه اجتماعی در صیانت جامعه گامی مفید برداشته است. (از این رو، پرهیز از جرائم و گناه اقتصادی در حوزه شخصی و فردی ملاک سعادت جامعه ایمانی و اسلامی نخواهد بود بلکه وظیفه تک تک امت اسلامی است که از گناهان اقتصادی در سطح اجتماع جلوگیری نمایند و به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر پایبند باشند و از این طریق بتوانند دامنه آلودگی اقتصاد را در سطح ملی کاهش دهند. چنین مقوله‌ای نیازمند دوری از نگرش اسلام انفرادی و روی آوردن به اسلام جماعتی و اجتماعی است. در کتاب فطرت عشق (شذره ششم شذرات المعارف) شاه‌آبادی تأکید می‌نماید که فرد یا گروهی که به دنبال لذت از طریق ارتکاب مناهی، تجاوز از حدود و مخالفت با اوامر الهی است، دچار ذلت خواهد شد ولی تحمل سختی‌ها در مسیر اجرای احکام الهی، منجر به لذت و فوز عظیم خواهد بود. ایشان تأکید بر اصل راهبردی امر به معروف و نهی از منکر در دو سطح خرد و کلان دارند؛ در سطح خرد، ایشان بر افراد جامعه توصیه می‌کنند تا «عدم تجاوز از حدود الهیه، یعنی مرتکب حرامی یا منع از واجبی نکنند.» در سطح کلان، بر «تادب به‌ظاهر شرع و ترک محرمات مطلقاً و تعظیم شعائر اسلام و حضور در جماعات و اجتماعات اسلامی» اشاره می‌کنند تا از این طریق جامعه اسلامی به سوی معروف گام بردارد و از منکرات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دور شود. براساس چنین اصولی است که ایشان توصیه به «قیام بر واجبات مالی و دادن حقوق الهی» در امور اقتصادی دارند؛ چنین روندی از گسترش منکرات اقتصادی و کفران دارائی جلوگیری می‌نماید. (جمشیدپها و قربی، ۱۳۹۸: ۱۹)

پ. زمینه‌های حاکمیتی بی‌نظمی اقتصاد و انقلاب

در این بخش تلاش خواهد شد به این سوال که «زمینه‌های حاکمیتی تأثیرگذار بر روند اقتصاد که منجر به شکل‌گیری انقلاب می‌شوند، چه مواردی می‌باشند؟» پاسخ داده شود و در ادامه با بررسی تأثیر روند ناکارآمدی نوسازی، سایر آفت‌های اقتصادی تأثیرگذار بر شکل‌گیری انقلاب سیاسی را بررسی می‌نمائیم.

اول. ناکارآمدی نوسازی

تبیین مسئله ناکارآمدی نوسازی و تاثیر آن بر شکل‌گیری انقلاب سیاسی در اندیشه آیت‌الله شاه‌آبادی به این شکل است که بی‌نظمی سیاسی و اقتصادی منجر به نارضایتی جامعه اسلامی می‌شود و از آنجایی که دولت نتواند نوسازی در سطح اقتصادی و اجتماعی انجام دهد و چون ستمگر و فاسد است، همین مسئله باعث وجود انقلاب سیاسی می‌شود.

از دیدگاه شاه‌آبادی، شاخص‌های نوسازی اقتصادی و سیاسی در جامعه دینی را می‌توان براساس معیارهای زیر ترسیم کرد: توسعه مشارکت سیاسی و همگرایی اجتماعی و اقتصادی، با عنوان سیاست عدّه و اقتدار اقتصادی با عنوان سیاست عدّه و توسعه فرهنگی با عنوان تبلیغ و بسط معارف. (مرتضوی، ۱۳۸۷: ۱۴۴) اگر این شاخص‌های نوسازی توسط دولت مورد بی‌مهری قرار بگیرد و دولت ظالم، برخلاف این اصول نوسازی اقتصادی و سیاسی اقدام نماید، برخلاف موازین شرعی عمل کرده است؛ زیرا ضمن رونق بی‌عدالتی، موجبات وابستگی به دشمنان اسلام و نابودی استقلال اقتصادی مملکت اسلامی خواهد شد. لاجرم، ناکارآمدی در سطوح نوسازی یکی از بسترهای شکل‌گیری اعتراضات گسترده و دگرگونی سیاسی خواهد بود.

۱. افتراق مردم در حوزه‌های اقتصادی

تفرقه بین امت مسلمان از جمله علل اصلی عقب‌ماندگی مسلمانان از دیدگاه شاه‌آبادی است. ایشان علت اصلی ایجاد تفرقه را عاملی خارج از جامعه مسلمانان و اختلاط ایشان با اجانب می‌داند. اختلافات فرقه‌ای مانع بسیار مهمی است که راه را برای بازگشت به دوران طلایی قرون اولیه ظهور اسلام می‌بندد. (گوهری، ۱۳۸۷: ۳۶۷) شاه‌آبادی علاوه بر نظریه‌پردازی در خصوص مسایل اقتصادی جهان اسلام، در حوزه عملی نیز فعال بوده و برای برون‌رفت از تهدیدهایی نظیر ربا و بانکداری غربی به تاسیس جمعیت‌ها و شرکت‌های اقتصادی همت داشته است. او در طرح ناحیه مقدسه اسلام، مسایل اقتصادی را برجسته می‌سازد و الگوی اقتصادی مطلوب ایشان را می‌توان مبتنی بر مشارکت عمومی و برپایی نهادهای مالی و اقتصادی بر اساس احکام اقتصادی اسلام در نظر گرفت. (قربی، ۱۳۹۸: ۲۶) این الگوی اقتصادی آیت‌الله شاه‌آبادی نشان‌دهنده اهمیت مشارکت در اقتصاد است و حوزه همیاری و اخوت که خود را به شکل شرکت مخمس و سیاست عدّه نشان می‌دهد. (یوسفی، ۱۳۹۴: ۸۷) لاجرم، الگوی مشارکت مردمی در اقتصاد نظام اسلامی، مبتنی بر

اصل اخوت بوده است که تحقق مقاصد دینی و الهی در اجتماع نیازمند گزینش سیاست اخوت و الگوی همدلی جمعیت اسلامی است. به تعبیر ایشان؛ «لاعهده الا بالاخوه؛ زیرا که عدد اگر چه فوق حد نهایت بوده باشد ولی مادامی که مرتبط نشود بخیط اخوت، در حکم غیریت و مبانیت است و البته جهات مابینه موثر در یک جهت و محصل یک مقصد نخواهد بود؛ چنانچه دانه های تسبیح مادامی که به واسطه خیطی منتظم نشود حرکت هیچ کدام باعث حرکت دیگری نگردد ولی بعد از انتظام آنها به سبب خیطی، جنبش هر یک موجب جنبش دیگران خواهد شد و لذا پیغمبر اکرم (ص) در صدر اسلام با ارتباط کثیری به مقام مقدسش به ایمان و اسلام ممکن نشد که از وجود آنها استفاده بفرماید برای بسط مقصد اسلام مگر به احداث از خیط عرضی اخوت که آن کثرت را به وحدت آورد، چنانچه از خیط طولی نساج نمی توان استفاده نمود که لباس عزت یا ساتر عورت بوده باشد مگر باحداث خیط عرضیه؛ و از اینجا معلوم شد که اخوت از احکام سیاسیه الهیه است برای اجرای مقاصد اسلامیه.» (شاه‌آبادی، ۱۳۸۷: ۷۲)

در حوزه راهبرد مشارکت اقتصادی، فرایند نوسازی زمانی که نتواند خط اخوت، همیاری و وحدت جامعه را تضمین نماید، ضمن آسیب داخلی به نظام اسلامی، منجر به سیطره دشمنان اسلام بر جامعه خواهد شد. از این رو، آفت روند اخوت در نوسازی اقتصادی، «افتراق» و «انفصام خیط اخوت» خواهد بود. این دو مسئله، جامعه را دچار دگرگونی خواهد کرد و استحکام داخلی جامعه اسلامی نابود شده و عامل وابستگی به مجامع دیگر می شود. شاه‌آبادی در باب این تهدید اشاره می نماید: «افتراق مسلمین و انفصام خیط اخوت از میانه آنهاست به واسطه اختلاط با اجانب که موجب اضمحلال هر یک شده معاشاً و معاداً، حتی آنکه اجتماعات مختلفه المسالک موجب ضعف و اختلال است (فضلاً عن الانفراد) و هرچه انفراد و افتراق بیشتر شود اختلال و انحلال شدت نماید تا به سرحد انعدام همه جهات و حیثیات رسد، چنانچه حس اعداء این جهت را، موجب هیجان و حرکت سریعه آنها گردیده و البته با این حالت حاضره، اساس زندگانی دینی و دنیوی شما را بر چیده مصداق آیه کریمه شریفه: خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ ذَلِكُمْ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ.» (شاه‌آبادی، ۱۳۸۷: ۴۷)

۲. اضمحلال استقلال اقتصادی

شاه آبادی در هشدار به جامعه اسلامی، مخالفت خود را با خام فروشی سرمایه‌ها و وابستگی به کشورهای خارجی اعلام می‌داشتند و تاکید داشتند که بی‌توجهی به صنعت و کار و فعالیت اقتصادی، یک امری است که به دلیل نادانی اتفاق می‌افتد و این مسئله را در شذرات المعارف تذکر داده‌اند. بنابراین، ایشان مخالف جدی با اقتصاد مریض و ناکارآمد، وابسته و مقلد الگوهای وارداتی بودند و همواره در خصوص اقتصاد وابسته به امت اسلامی و کارگزاران حکومتی هشدار می‌دادند و این آسیب‌ها را به ضرر ناحیه مقدسه اسلام و پایایی نظام سیاسی و اقتصادی اسلام در نظر می‌گرفتند. آیت الله شاه آبادی در هشدارهای خود به امت و کارگزاران حکومتی، از دلایل مهم فساد اقتصادی و وضعیت اسفناک جامعه اسلامی را ترک واجبات و کوتاهی در تکالیف شرعی اعلام می‌کردند که از جمله آنها، بی‌توجهی به صنعت داخلی و روند تولید ملی است. و اعتقاد داشتند همگان باید برای سلامتی اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی تلاش نمایند و تبلیغ احکام دینی یکی از راهکارهای برون رفت از آسیب‌های پیش روی جهان اسلام در عرصه اقتصادی است. ایشان در کتاب شذرات المعارف، افرادی که به جای استقلال اقتصادی و تلاش برای تولید ملی و بهره‌وری، بر بیگانگان چشم دوخته‌اند را افرادی ناکارآمد می‌داند و معتقدند «جهالت» و «غفلت» مسلمین باعث شکل‌گیری اقتصاد وابسته در کشورهای اسلامی می‌شود. از این رو، باید تفکر و اندیشه را با عنصر پشتکار و عمل پیوند داد و اقتصاد ملی را از وابستگی به دشمنان نظام اسلامی رهایی بخشید. (قربی، ۱۴۰۰: ۱۶-۱۵) بخشی از اندیشه شاه‌آبادی، توجه به استقلال اقتصادی و تأثیر آن در عرصه سیاست و فرهنگ است. او معتقد است باید به درگاه الهی از بی‌عملی، هدر دادن امکانات و در نتیجه عقب‌ماندگی صنعتی و اقتصادی استغفار کرد. باید "بی‌حسی" خود را به "حس"، و "بی‌غیرتی" را به "غیرت" تبدیل کنیم و با عمل کردن به آیه شریفه "جاهد الکفار و المنافقین و اغلظ علیهم" و آیه "و اقتلوهم حیث وجدتموهم" «کفار را در امتعه خود کشته و با ترک غالطه و مراوده با آنها، بر آنها خشم نماییم و در مقام آن برآیم که امتعه مسلمین را مغتنم شماریم و حوائج را به خود آنها و در خود آنها اداره نماییم» (جعفرپیشه فرد، ۱۳۸۱: ۹۸)

در اندیشه شاه‌آبادی، سیاست‌گذاری را می‌توان قدرت اقتصادی حکومت در نظر گرفت که ناظر بر به دست آوردن امکانات و قدرت در بخش اقتصاد است و این مهم از طریق همکاری و تعاون به

دست خواهد آمد. آیت‌الله شاه‌آبادی در تبیین سیاست عُده به مثابه فراهم کردن امکانات اقتصادی و مالی نیز نیازهای اقتصادی را با ترتیب زیر بیان می‌کند: (۱) کشاورزی، (۲) صنعت، (۳) تجارت خارجی و (۴) قرض دادن (یوسفی، ۱۳۹۴: ۱۰۱) توجه به این ارکان عامل استقلال اقتصادی است و بی‌توجهی به بخش‌های کلان اقتصادی فوق، عامل نابودی استقلال اقتصادی و بسترآفرین وابستگی به دشمنان اسلام خواهد بود. تضعیف این بخش‌ها توسط نظام سیاسی، عاملی اعتراض جامعه اسلامی خواهد شد و می‌تواند دلیلی برای دگرگونی سیاسی باشد. بررسی اندیشه اقتصادی آیت‌الله شاه‌آبادی نشان می‌دهد تهدیدات حاکمیتی در حوزه استقلال اقتصادی که منجر به زمینه‌های اعتراض و بسترساز تغییر نظام سیاسی می‌شود به قرار زیر هستند:

- (۱) بی‌توجهی به تامین نیازهای کشاورزی و تامین معیشت ملی،
- (۲) واگذاری امور صنعتی به بیگانگان و رهاکردن مقوله راهبردی تولید کالاهای راهبردی در داخل مرزهای کشور اسلامی،
- (۳) فقدان رویکرد متوازن در تجارت خارجی و تاکید بر واردات محصولات خارجی برای تامین نیاز داخلی و ایجاد وابستگی به دشمنان اسلام،
- (۴) توسعه اقتصاد ربوی و رنگ باختن قرض‌الحسنه در جامعه اسلامی.

۳. بی‌توجهی به فرهنگ‌سازی اقتصاد اسلامی

در اندیشه آیت‌الله شاه‌آبادی، تحویل دادن میدان دعوت و تبلیغ به دشمنان به همراه ترک تبلیغات منجر به پیروزی جریان باطل به حق می‌شود. (رضی‌به‌آبادی، ۱۳۹۰: ۵۵) شروع کتاب شذرات المعارف با آسیب‌شناسی مملکت‌های اسلامی است و یکی از مهمترین علت‌های مبتلا شدن جوامع اسلامی به امراض مزمنه و مهلکه، ترک تبلیغات معرفی شده است. از این رو، تبلیغ کارهای نیک در جامعه مسلمین باعث رشد فضائل نیک در جامعه می‌شود و از بروز پلیدی‌ها جلوگیری می‌نماید. بی‌توجهی به ترویج و توسعه افکار اسلامی منجر به ضعف و انحطاط جامعه اسلامی و رشد فساد در بخش‌های مختلف آن شده است که هیچ ثمره ایی جز خرابی و نابسامانی نداشته است. از این رو، رشد کارهای ضداخلاقی و گناهان کبیره به دلیل بی‌توجهی به تبلیغ ارزش‌های دینی، منجر به بیگانگی از معارف و حقایق آن در جامعه بیمار می‌شود و همین امر، فرصت کافی را برای تبلیغات دشمنان اسلام فراهم می‌آورد. این تبلیغ می‌تواند در حوزه احکام فردی یا

اجتماعی باشد و قاعدتاً تبلیغات احکام اقتصادی اسلام یکی از راه های ایمن سازی اقتصاد ممالک اسلامی و دوری از منکرات اقتصادی به مثابه عوامل نابودکننده استقلال و عزت امت اسلامی نیز خواهد بود. علاوه بر تبلیغ احکام و ارزش های اخلاقی، فرهنگ سازی در زمینه امور معیشتی و اقتصادی ممالک اسلامی امری ضروری است. تاکید بر «سیاست ترویج البسه و اقمشه اسلامی و مملکتی» گواهی بر اهمیت فرهنگ سازی، تبلیغ و توسعه فرهنگ اقتصادی در جامعه اسلامی برای کسب اقتدار و استقلال اقتصادی است. ایشان در بحث «خیط اخوت» به مسئله مصرف عمومی مردم از تولیدات داخلی اشاره می نمایند و بر روی «ایجاد شرکت از روی قواعد علمیه برای ترقی تجارت مشروعه و صناعت و زراعت و ترویج البسه و اقمشه مصنوعه اسلامی و مملکتی» تاکید ویژه ای می نمایند. ایشان علاوه بر تاکید بر تولیدات داخلی، اعتقاد فراوانی بر تبلیغ و ترویج محصولات داخلی و مملکتی برای گسترش مصارف ملی دارند و چنین راهبردی برای برون رفت جامعه از آسیب های مصرف تولیدات خارجی در کالاهای غیرضروری بسیار مناسب می باشد. در همین راستا، یکی از راه های برون رفت از رذیلت های اخلاقی در فعل و کردار شهروندان در اندیشه شاه آبادی، «بسط معارف و حقایق دیانت در حدود ممالک اسلام» و «استحکام روابط مذهبی» می باشد. چنین موضوعی نشان دهنده ترویج احکام اسلام در جامعه و مدیریت رفتارهای ناشایست اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... از طریق توسعه فرهنگ اسلامی است و این سیاست در حوزه اقتصاد را می توان اشاعه فرهنگ اسلامی در راستای اصلاح امور ناصواب اقتصادی در جامعه و رشد دادن افعال، افکار و بینش صحیح در روند تولید، توزیع و مصرف دانست. (جمشیدیها و قربی، ۱۳۹۹: ۱۰۴-۱۰۲) بی توجهی نظام سیاسی به توسعه فرهنگ اقتصادی و آموزش احکام اقتصاد اسلامی منجر به رونق فعالیت های برخلاف موازین شرعی در رفتار و نقش های اقتصادی مردم و نهادهای حکومتی می شود و این مسئله یکی از ناکارآمدی های حاکمیت خواهد بود که بستر ساز نارضایتی و اعتراض علما به مسئولان می شود.

بنابراین، عدم کارآمدی نوسازی اقتصادی و مشکلات سه گانه؛ (۱) فقدان کشارکت فعالانه مردم در امر اقتصادی، (۲) شکست سیاست های تبلیغی و عدم توجه به معارف اسلامی و احکام اقتصادی اسلامی در جامعه در برنامه ریزی رسانه ای، تبلیغی و فرهنگی، و (۳) وابستگی اقتصادی و عدم

توانایی تحصیل استقلال در حوزه‌های مختلف اقتصادی، منجر به شتاب روند انقلاب سیاسی در جامعه می‌شود.

دوم. عدم حراست از بیت‌المال

شاه‌آبادی، دارا بودن منابع مالی را از جمله پشتوانه‌های جوامع اسلامی محسوب کرده و تاکید داشتند بیت‌المال می‌تواند کمک شایانی به پیشبرد اهداف متعالی جامعه اسلامی نماید. دیوان بیت‌المال در آغاز اسلام تنها نامی بود برای نگاهداری اموال منقولی که از محل خراج یا جزیه یا درآمدهای دیگر به دست می‌آمد و باید بین مسلمانان تقسیم می‌شد. به مرور زمان این نهاد به یکی از مهم‌ترین نهادهای مالی حکومت اسلامی تبدیل و مدیریت خاصی بر آن اعمال شد. دیوان بیت‌المال درآمدها و مصارف معینی داشت. درآمدهای آن به سه قسمت «فیء»، «غنیت» و «صدقه» تقسیم می‌شد. مصارف آن نیز عبارت بود از تهیه نیازمندیهای مردم و با تأمین زندگی مسلمانان در مراتب بعدی بیت‌المال باید به مصرف حقوق رزمندگان اسلام، تهیه اسلحه آنان، اداره زندگی فقرای مسلمان و آزادسازی اسیران مسلمان و مانند اینها می‌رسید. با توجه به ایجاد حکومت‌های مستقل مسلمان، می‌توان تعبیر آیت‌الله شاه‌آبادی از بیت‌المال را تفسیر به قدرت اقتصادی مستقل مسلمانان کرد. (گوهری، ۱۳۸۷: ۳۷۰) در بخشی از بیانات آیت‌الله شاه‌آبادی آمده است:

«اگر نظر عمیقانه بفرمائی می‌یابی که اسباب ممرضه چند چیز است... نداشتن بیت‌المال است زیرا که معلوم است جریان اسلام در ملک، محتاج است به عِدّه و عُده و لذا خداوند عالم ایجاب زکوات و اخماس و سایر حقوق مالیه فرموده برای اداره نمودن اساس مقدس اسلام. الحاصل غرور بحقانت و حیات عاریت و یاس از ظهور سعادت و افتراق مسلمین و نداشتن بیت‌المال موجب تعطیل قوای عامله مسلمین شده و از وصول به سیادت دین و دنیوی محروم مانده اند ولی علت العلل جهل بمرام اسلام است.» (شاه‌آبادی، ۱۳۸۰: ۵-۶)

سوء مدیریت در مراکز مالی و بیت‌المال از دیدگاه شاه‌آبادی دارای تبعات منفی زیادی برای جامعه دینی و نظام حکمرانی است و عامل نارضایتی از سبک مدیریت حاکمان خواهد بود. از جمله عواقب بی‌توجهی و دست‌اندازی به بیت‌المال مسلمین در اندیشه شاه‌آبادی عبارت از؛ (۱) ایجاد مشکل برای اداره نمودن اساس مقدس اسلام، (۲) تزلزل در حقوق مالیه اسلامی، (۳) اسراف و حیف و میل سرمایه‌های مادی، (۴) نابسامانی در تأمین مالی نیروهای جامعه، (۵) نابودی زکات و

خمس در جامعه اسلامی، و (۶) زوال عُدّه در مملکت اسلامی (قربی، ۱۴۰۰: ۵۷) می‌باشد و این مسائل می‌تواند بستر ساز حرکت جمعی مردم برای تغییر نظام سیاسی شود چون نظام فاسد سیاسی منجر به نابودی حقوق مسلمین شده و سوء استفاده در مدیریت بیت المال منجر به دوری از احکام الهی و شکل گیری نظام طاغوتی می‌گردد و طبق فرامین دینی، زدودن طاغوت از جوامع دینی امری لازم است.

سوم. رفاه طلبی کارگزاران

راحت طلبی یکی از امور ذاتی و فطری انسان ها است و شاه آبادی در کتاب رشحات البحار پیرامون فطرت آسایش دوستی (حب راحت) اشاراتی دارند. ایشان فرجام حب راحتی را بیچارگی می‌دانند؛ «چنانچه کسانی که مبتلا به حب شهوات و زینت دنیا و امثال آنها هستند، آخر بیچاره خواهند شد.» (شاه آبادی، ۱۳۸۰: ۱۵۵) راحت طلبی و دوری از کار تولیدی در جامعه، روند اقتصاد ملی را با سکون مواجه می‌سازد و سیستم اقتصادی را با اختلال و بی نظمی همراه می‌نماید. در عین حال، راحت طلبی منجر به خروج سرمایه های مالی از جریان تولید و اشتغال شده و در نقطه مقابل، بسترهای رشد ظلم و بی عدالتی، ناآرامی اجتماعی و تعدی به حقوق محتاجان را به همراه خواهد داشتو به اعتقاد شاه آبادی، «تراحم حاجت و راحت است که اولی موجب حرکت و دومی مقتضی سکونت است، ولی از سوء تربیت و عادت، تقدیم سکونت بر حرکت شده و تولید عجز و اختلال نظام نوعی و شخصی نموده، و موجب انفتاح باب خیانت و عدم امانت و تاسیس سلطنت و ریاست و انواع ظلم و تعدی، و ایجاد طبع یاجوج و مأجوج و ترویج شرع هرج و مرج، و عمل به فقه کتاب موش و گربه و حق را به طرف غالب دادن شده.» (جمشیدپها و قربی، ۱۳۹۸: ۲۱-۲۰) بنابراین، رفاه طلبی کارگزاران عامل نارضایتی مردم و بسترهای انقلاب سیاسی در جامعه خواهد بود. به اعتقاد شاه آبادی، نظام اسلامی به کارگزاران خادم، هادی و کوشا نیاز دارد و مسئولان جامعه باید برای تعالی مادی و معنوی جامعه تلاش وافر داشته باشند و در این مسیر، جایز نیست تن‌پروری، بی کفایتی و سکون در مدیران جامعه مشاهده شود.

نتیجه گیری و پیشنهادها

الف. نتیجه گیری و جمع بندی نهایی

این مقاله مترصد بررسی زمینه‌های اقتصادی شکل‌گیری انقلاب از منظر آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی(ره) بوده است و برای تبیین این مسئله نوین، تلاش شد تا از سه منظر زمینه‌های اخلاقی، تاثیرگذار بر روند نارضایتی اقتصادی، زمینه‌های اجتماعی انقلاب در شرایط بی‌نظمی اقتصادی و زمینه‌های حاکمیتی تاثیرگذار بر روند اقتصاد به موضوع نگریسته شود. مهم‌ترین نتایج به‌دست آمده از تحلیل تاملات فکری و اندیشه اقتصادی آیت‌الله شاه‌آبادی به این قرار است؛ انقلاب سیاسی و دگرگونی در رژیم سیاسی حاکم، نتیجه بی‌نظمی اقتصادی و سیاسی کارگزاران است و پدیده انقلاب، یک راهبرد برای جلوگیری از استمرار وضعیت موجود است؛ زیرا جامعه اسلامی خواهان تعالی حکمرانی در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است و هرگونه آفت و آسیب جدی که بقای جمعیت اسلامی را تهدید نماید، باید از ادامه آن جلوگیری شود. از این‌رو، مفاسد اخلاقی و رذیلت‌های اقتصادی در جامعه اسلامی جایگاهی ندارد و استمرار مفاسد می‌تواند بستر ساز بی‌نظمی اجتماعی و سست شدن امت اسلامی شود. از این‌رو، در سطح اول، راهبرد آیت‌الله شاه‌آبادی در اصلاح اقتصادی جامعه نیز اخلاق‌مداری در تدبیر منزل و سیاست مدن است و اگر نظام سیاسی به تعالی امت اسلامی توجه نداشت و مترصد منافع شخصی به جای تاکید بر مصالح عمومی جامعه دینی بود، لازم است این نظام سیاسی اصلاح شود و در غیر این صورت، انقلاب سیاسی امری ضروری خواهد بود. در سطح دوم، بی‌نظمی‌های اجتماعی در فعالیت‌های اقتصادی منجر می‌شود استقلال کشور و توانمندی تولید داخلی با مشکل مواجه شود و احکام اسلامی این اجازه را به امت واحده و همگرا می‌دهد که برای جبران خسارت‌های اقتصادی، از راهبر امر به معروف و نهی از منکر استفاده نمایند. به عبارتی، «جامعه» یک لایه اساسی در فعالیت اقتصادی است و اگر نظام سیاسی در نقش‌های اقتصادی به این بخش مهم توجه نکند، مردم می‌تواند در گام نخست با هشدار به کارگزاران، این روند ناسالم در جامعه را اصلاح نمایند و اگر فساد اقتصادی دولت ادامه پیدا نمایند، جامعه دینی برای احقاق حقوق اجتماعی و اقتصادی خود می‌تواند به فکر تغییرات اساسی در مدیران اجتماع باشد. در سطح سوم، زمینه‌های حاکمیتی شکل‌گیری انقلاب در اندیشه آیت‌الله شاه‌آبادی ناظر بر این مهم است که نوسازی ناکارآمد عامل نارضایتی اقتصادی مردم و بستر ساز انقلاب خواهد بود. روند نوسازی در اندیشه استاد اخلاق امام خمینی(ره)، متکی بر سه رویکرد مشارکت عمومی جامعه، اقتدار اقتصادی و تبلیغ فرهنگی است و

تزلزل در این بخش‌ها منجر به وابستگی، نابودی عزت اسلامی، از بین رفتن فرصت‌های داخلی تولید و قدرت یافتن دشمنان اسلام برای جوامع اسلامی می‌شود. از این منظر، راهبرد سیاست عِدّه و عِدّه در کنش اقتصادی اشاره به اهمیت کاربست نیروی انسانی همگرا مبتنی بر اصل خوت و استعانت از ظرفیت‌های داخلی در فرایندهای نوسازی دارد و دو اصل افتراق در نیروی انسانی داخلی به دلیل سیاست‌های اشتباه حاکمان و وابستگی اقتصادی به دشمنان اسلام به دلیل بی‌توجهی به ظرفیت‌های داخلی منجر به نارضایتی و انقلاب خواهد شد. علاوه بر مسئله شکست نوسازی، رفاه طلبی کارگزاران و عدم حراست از منابع مالی دولت اسلامی (بیت‌المال) از زمینه‌های اقتصادی شکل‌گیری انقلاب سیاسی در اندیشه شاه‌آبادی هستند.

ب. پیشنهاداتی برای مطالعات آتی

با توجه به ظرفیت‌های اندیشه آیت‌الله شاه‌آبادی برای استخراج الگوهای نظری و راهبردی برای نظام اسلامی و اهمیت مسئله انقلاب، نارضایتی، کارآمدی دولت و حکمرانی سیاسی پیشنهاد می‌گردد در زمینه‌های زیر مطالعاتی موردی انجام شود:

- (۱) بررسی ناکارآمدی حکمرانی سیاسی و اقتصادی بر شکل‌گیری اعتراض عمومی،
 - (۲) الگوی مدیریت جامعه در شرایط بحران‌های سیاسی و اجتماعی،
 - (۳) نقش رهبری ناحیه مقدسه اسلام در کارآمدی نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی،
 - (۴) مدیریت تهدیدات داخلی و خارجی نظام سیاسی اسلام مبتنی بر الگوی اخوت،
 - (۵) شناسایی ساختارها و بافت جامعه مطلوب برای استحکام ساختار دولت اسلامی،
- زمینه‌های فرهنگی شکل‌گیری نارضایتی عمومی در جامعه اسلامی.

فهرست منابع

- امامی، عبد‌النبی (۱۳۸۹): فرهنگ قرآن، اخلاق حمیده، جلد دوم، قم: نشر مطبوعات دینی، چاپ اول.
- بال، آلن؛ و پیترز، گای (۱۳۸۴): سیاست و حکومت جدید، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران، نشر قومس.
- باهنر، محمدجواد (۱۳۸۷): مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی، تهران: نشر شاهد، چاپ اول.
- پورزکی، گیتی؛ و ابوالقازی، سعید (۱۳۹۷): «انقلاب امری سیاسی یا اگزیستانس: خوانشی پس‌کاوانه از اندیشه دکتر شریعتی»، نشریه اندیشه سیاسی در اسلام، زمستان، شماره ۱۸، صص ۱۲۹-۱۴۷.
- جعفرپیشه فرد، مصطفی (۱۳۸۱): «اندیشه سیاسی آیت‌الله شاه‌آبادی و نقش آن در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)»، مجله حکومت اسلامی، سال هفتم، تابستان، شماره ۲۴، صص ۱۰۲-۸۲.
- جمشیدی، محمدحسین؛ ایران‌نژاد، ابراهیم (۱۳۹۱): «نظریه انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی شهید صدر»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، تابستان، شماره ۲۹، صص ۱۰۸-۷۷.
- جمشیدیها، غلامرضا و سیدمحمدجواد قربی (۱۳۹۹): «راهبردهای استحکام اقتصادی نظام سیاسی اسلام از منظر آیت‌الله محمد علی شاه‌آبادی(ره)»، فصلنامه مطالعات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، سال هشتم، پاییز و زمستان، شماره ۱۶، صص ۱۰۸-۷۸.

- جمشیدیه‌ها، غلامرضا و سیدمحمدجواد قربی (۱۴۰۰): «تحلیل مضمون الگوی حکمرانی اقتصادی مبتنی بر سیاست عدّه و غده در اندیشه آیت‌الله محمدعلی شاه آبادی(ره)»، فصلنامه مطالعات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، سال هشتم، پاییز و زمستان، شماره ۱۶، صص ۵۱-۷.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۹): جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
- خلیقی‌مقدم، جواد؛ صابریان، علیرضا؛ و مریم آقایی بجستانی (۱۴۰۱): «چالش‌های الگوی اقتصاد مقاومتی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای از منظر گفتمان انقلاب اسلامی»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، تابستان، شماره ۵۹، صص ۱۲۸-۱۱۱.
- رجب‌زاده، احمد؛ و کوثری، مسعود (۱۳۸۱): «آنومی سیاسی در اندیشه دورکیم»، فصلنامه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، زمستان، شماره ۳۷، صص ۴۵-۳۱.
- رضی بهابادی، سیدمحمدرضا (۱۳۸۹): نظریه‌های اقتصادی-سیاسی آیت‌الله شاه‌آبادی(ره)، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد معارف اسلامی و اقتصاد، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷): توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم.
- رهبری، مهدی (۱۳۸۵): «تبیین اقتصادی انقلاب اسلامی ایران»، در ایدئولوژی، رهبری و فرآیند انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی تبیین انقلاب اسلامی)، جلد دوم، تهران: چاپ و نشر عروج، چاپ دوم.
- سبزه‌ای، محمدتقی؛ کریمی، محمد شریف؛ و همایون مرادخانی (۱۳۹۸): «تحلیل و تبیین نتایج اقتصادی انقلاب اسلامی در مقایسه بین‌المللی با برخی از انقلاب‌های اجتماعی»، فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌المللی، دوره ۲، بهار و تابستان، شماره ۱، صص ۹۲-۵۷.
- سنایی، وحید؛ و زهرا مظفری‌پور (۱۳۹۷): رانت، فرهنگ سیاسی تبعی و اقتدارگرایی در ایران، مشهد: نشر به‌نشر، چاپ اول.
- شاه آبادی، محمدعلی (۱۳۸۰). شذرات المعارف به ضمیمه رساله شرکت مخمس، چاپ اول، تهران: بنیاد علوم و اسلامی دانش پژوهان.
- شاه آبادی، محمدعلی (۱۳۸۷). شذرات المعارف، توضیح و تقریر آیت‌الله نورالله شاه‌آبادی، چاپ دوم، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
- شاه آبادی، محمدعلی (۱۳۹۴). فطرت عشق، شرح آیت‌الله فاضل گلپایگانی، چاپ سوم، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم.
- صادقی‌فسایی، سهیلا؛ عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۴). «مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، سال هشتم، بهار، شماره ۲۹، صص ۹۱-۶۱.
- طالقانی، سیدمحمود (۱۳۶۲): پرتوی از قرآن، جلد پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.

- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴): ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد چهاردهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸): اطیب البیان فی تفسیر القرآن، جلد پنجم، تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم.
- عمویی، حامد (۱۳۹۸): «بررسی تأثیر عوامل اقتصادی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی»، تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، دوره اول، اسفند، شماره ۲، صص ۸۰-۱۰۴.
- قربی، سید محمدجواد (۱۴۰۰): اندیشه اقتصادی آیت‌الله شاه‌آبادی، تهران: دانشگاه امام حسین(ع)، چاپ اول.
- قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۸): «بررسی سیره نظری و عملی آیت الله محمدعلی شاه آبادی در اصلاح اقتصادی و اجتماعی»، فصلنامه مطالعات تاریخی، پائیز، شماره ۶۶، صص ۲۶-۴۵.
- کسرابی، محمدسالار (۱۳۸۹): «انقلاب: تحولات مفهومی یک واژه»، نشریه جامعه‌شناسی تاریخی، سال یکم، بهار، شماره ۳، صص ۱۱۳-۱۳۴.
- کشاوری شکری، عباس؛ غفاری هاشجین، زاهد؛ و معصومه شیخی (۱۳۹۳): «مدل انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی(ره)»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، بهار، شماره ۱۰، صص ۷۰-۵۱.
- گلدستون، جک (۱۳۸۵): مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، نشر کویر.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۴): «تبیین اقتصادی انقلاب اسلامی ایران؛ نگاهی به تحلیل چارلز کورزمن»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۷، پاییز، شماره ۱۷، صص ۸۷-۶۵.
- گوهری، عباس (۱۳۸۷): «آسیب‌ها و بیماری‌های جوامع اسلامی از دیدگاه حکیم شاه‌آبادی»، در حدیث عشق و فطرت، چاپ دوم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مجموعه نویسندگان (۱۳۸۶): حدیث عشق و فطرت: مجموعه مقالات درباره آراء حکمی آیت‌الله العظمی محمدعلی شاه‌آبادی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مرتضوی، علی حیدر (۱۳۸۷): فیلسوف فطرت؛ نگاهی به احوال و افکار حکیم آیت الله العظمی محمدعلی شاه آبادی، چاپ سوم، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- معمار، ثریا (۱۳۸۵): «نقش نوسازی اقتصادی در زمینه سازی انقلاب اسلامینوسازی اقتصادی و انقلاب اسلامی»، در ایدئولوژی، رهبری و فرآیند انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی تبیین انقلاب اسلامی)، جلد دوم، تهران: چاپ و نشر عروج، چاپ دوم.
- میرانی مقدم، هادی (۱۳۹۰): اندیشه‌های سیاسی اجتماعی آیت‌الله شاه‌آبادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق(ع)
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۸): نظام اقتصادی اسلام: مبانی مکتبی، جلد سوم، تهران: کانون اندیشه جوان، چاپ دوم.

هدی، فرل (۱۳۸۱): اداره امور عمومی تطبیقی، ترجمه سیدمهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده، تهران: نشر اندیشه‌های گهربار .

هزاوه‌ای، سید مرتضی (۱۳۸۰): «اصلاح و انقلاب در آموزه های قرآنی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال چهارم، پاییز، شماره ۱۵، صص ۱۹۵-۲۰۸.

هیوود، اندرو (۱۳۸۴): مقدمه نظریه سیاسی، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران، نشر قومس، چاپ اول.
یارحسینی، علی (۱۳۸۳): آئینه دار طلعت یار: گذری و نظری بر سیره اخلاقی، علمی و عرفانی آیت‌الله العظمی میرزا محمدعلی شاه‌آبادی (ره)، قم: انتشارات وثوق، چاپ اول.

یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۴). «تحلیل الگوی اقتصادی آیت الله شاه آبادی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال پانزدهم، بهار، شماره ۵۷، صص ۸۷-۱۱۲.

